

باسمه تعالی

عنوان کرسی: روایتگری خشم و ترس در حکایت هایی از کلیله و دمنه و گلستان

ارائه دهنده: دکتر عاطفه خدایی (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

ناقد اول: دکتر محمدرضا نیکزاد (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

ناقد دوم: دکتر سلمان رحیمی (استادیار پژوهشگاه امام صادق(ع))

مدیر کرسی: دکتر فاطمه حاجی رحیمی (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دوشنبه (۶ آذر ۱۴۰۲)، ساعت ۱۴:۳۰-۱۲:۳۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از دکتر خدایی به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند. در ادامه، ارائه دهنده دکتر خدایی به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

کلیله و دمنه و گلستان دو متن تعلیمی برای ارتقای اخلاقی جامعه هستند این اساسی ترین وجه اشتراک این دو متن است که قابلیت مقایسه را در روایت های این دو اثر به وجود آورده است. با وجود این اشتراک اساسی، مشخصه ساختاری در این دو اثر با توجه به انگیزه ها و نتایج حاصل از کارکردها متفاوت است. نقطه مشترک در هر دو اثر این است که خشم در زمان بروز به صورت گفتار مستقیم بیان نمی شود؛ چراکه به لحاظ روانی، هیجان شدید حاصل از آن اجازه ظهور کلامی نمی دهد، پس ترجیحاً با جمله های روایی نوشته می شود. این مطلب درباره ترس صادق نیست و می توان ترس شخصیت ها را از زبان خود کنشگران شنید

داستان های کلیله ودمنه تمثیلی هستند و در تمام آنها از دو هیجان خشم و ترس برای پیش برد داستان استفاده شده است، اما در هیچ کدام آغازکننده و پایان بخش داستان این دو هیجان نبوده است. اما در گلستان، که داستان ها غالباً موجز و کوتاه است، این دو هیجان می تواند آغازکننده، اوج داستان یا موضوع گره افکنی باشد. نگاه راوی در روایت های کلیله ودمنه بر روان شناسی انسانی منطبق است. در عوض، دنیایی که از نگاه سعدي و براساس دو هیجان خشم و ترس ساخته می شود واقعی تر است.

سعدي بیشترین حکایات خشم و ترس را (به ویژه خشم) در باب «پادشاهان» گنجانده است. پادشاه که مرکز قدرت جامعه است؛ اما هیجان ترس در مرکز قدرت ظهور ندارد. نصرالله منشی در داستان های فابل و غیر آن برای زنان نقشی اساسی و تأثیرگذار در نظر می گیرد؛ در حالی که زنان گلستان در دریافت این هیجان ها واکنشی نشان نمی دهند، در واقع فقط کنش-پذیرند. در داستان های منتخب از کلیله ودمنه و در برخورد کنشگر خشمگین از طبقه اجتماعی بالاتر با زیردستان، غالباً رفتارهای متقابل دیده می شود؛ اما در گلستان، واکنش شخصیت مقابل فرد خشم گیرنده با توجه به جایگاه اجتماعی متفاوت است.

روایت شناسی از جمله علمی است که امروزه در کانون توجه پژوهشگران است و به همین علت مطالعات و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. مقالاتی که به شکل خاص به علم روایت شناسی پرداخته اند و مبانی نظری، الگوهای کاربردی در روایت شناسی، عناصر روایی، زبان شناسی روایت و... را هدف قرار داده اند و مقالاتی که برخی متون روایی فارسی را از منظر روایت شناسی بررسی و تحلیل کرده و در این راه از نظر روایت شناسی چون تودوروف، پراپ، گرماس و بارت و... بهره برده اند.

پژوهش حاضر به بررسی روایتگری ترس و خشم در حکایت هایی از گلستان و کلیله ودمنه پرداخته است. این دو اثر بارها از منظر روایت شناسی بررسی شده اند. برای مثال «روایت شناسی داستان بوم و زاغ در کلیله ودمنه»، «تحلیل رفتار شخصیت-ها در داستان شیر و گاو»، «راوی اول شخص در گلستان»، «شیوه های روایت پردازی در گلستان»، «بررسی تداوم زمان روایت در حکایت های فرعی کلیله ودمنه» و... همگی به بررسی روایی این دو اثر پرداخته اند. اما در هیچ یک از این پژوهش ها، مبنای انتخاب و بررسی داستان ها، کنش های حاصل از عواطف انسانی نبوده است.

روایتگری شیوه ای کارآمد در بیان و خلق متن های ادبی و داستانی است و به همین دلیل روش های بسیاری برای بررسی روایت ها ایجاد شده است. از جمله می توان به نظریه های تودوروف، پراپ، گرماس و بارت و... اشاره کرد که روایت شناسند و دیدگاه های متنوع و متفاوت دارند. به طور قطع در پژوهش ها و آثار بسیاری به روایت شناسی پرداخته اند؛ اما آنچه این

پژوهش را از سایر آثار متمایز می‌کند، نگاه خاص به نحوه بیان احساسات پایه انسانی یعنی ترس و خشم است. این دو هیجان در آثار تعلیمی بسیار مهم و اثرگذارند و تا قبل از این پژوهش هیچ تحقیقی با این دیدگاه به آن‌ها نپرداخته است. کلیده و دمنه و گلستان دو اثر تعلیمی هستند؛ یعنی هدف از نگارش این آثار ارائه و آموزش مفاهیم اخلاقی است؛ اما آنچه در این تحقیق مد نظر بوده، شیوه بیان این مفاهیم است. دو نویسنده از روایت برای بیان بهره جسته‌اند و در هر روایتی قوانین و مؤلفه‌هایی لازم است تا ویژگی‌های آن مشخص شود و حتی وجهی مقایسه‌پذیر میان دو روایت به وجود آید. در بررسی این دو اثر به طور خاص به عواطف انسانی پایه (خشم و ترس و ...) پرداخته شده است؛ چرا که غالب کنش‌های انسانی بر اساس همین هیجانات شکل می‌گیرد و نوع مواجهه با این عواطف بخش عمده‌ای از رفتارهای انسان را شامل می‌شود. نوع راوی، شیوه بیان کنشگران و راوی، زبان روایت، طبقه اجتماعی و جنسیت کنشگرانی که از ترس و خشم متأثرند و انگیزه‌ها و نتایج حاصل از این کنش‌ها از جمله همین عناصر هستند که برای مقایسه روایت ترس و خشم در دو متن روایی متفاوت استفاده می‌شوند. گفتنی است که غالب حکایت‌های کلیده و دمنه و گلستان با تعاریف مزبور از روایت و متن روایی و رخدادهای روایت‌شده هماهنگی و قابلیت بررسی از دیدگاه پیش گفته را دارند. در این میان کوشیده‌ایم به دو سوال زیر پاسخ دهیم.

۱. ترس و خشم چگونه در روایت‌های کلیده و دمنه و گلستان ایفای نقش می‌کند؟

۲. شیوه تجلی ترس و خشم در روایات این دو کتاب چگونه است؟

این اثر بر پایه روایت و روایت‌شناسی است و چند تعریف اساسی را مد نظر دارد. در روایت‌های انتخابی از کلیده و دمنه و گلستان به کارکرد یا کنش‌های خاصی پرداخته شده است که بر مبنای عواطف انسانی به وجود آمده‌اند. هر روایت از تعدادی کنش یا کارکرد ساخته شده که حرکت‌های داستان را شکل می‌دهند و در داستان نقش بازدارنده یا پیشبرنده دارند. منظور از کنش یعنی عمل شخصیتی از اشخاص داستان که از منظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود.

عنصر بنیادی روایت، تبدیل وضعیت است؛ یعنی کنشی صورت می‌پذیرد و روایتی آغاز می‌شود. پراب، روایت‌شناس روس معتقد است با وجود تنوع و تکرار در داستان‌ها برخی عناصر مانند کارکردها یا کنش‌ها ثابت است و تعدادی مشخص دارد. دورشدن، سرپیچی کردن، به مجازات رسیدن و ... از انواع کارکردهای روایی است. در داستان‌ها و روایت‌های کهن ایرانی نیز می‌توان کارکردهایی مشابه برای شخصیت‌ها به دست آورد. در داستان‌های کلیده و دمنه و حکایت‌های گلستان، انواع کارکردها قابل جست‌وجو است؛ برای مثال می‌توان کنش‌هایی چون کشتن، کمک کردن، حسادت کردن، نیرنگ زدن، خشمگین شدن و مشاوره دادن و ... را در فابل‌های کلیده و دمنه یافت از آنجاکه انگیزه‌های عاطفی برای کنش‌ها، راهی برای

تفکیک آنها محسوب می‌شود، در پژوهش حاضر به دو کارکرد یا کنش ناشی از ترس و خشم پرداخته شده و انگیزه‌ها و نتایج حاصل از این دو هیجان نیز بررسی شده است.

پس از ارائه تفصیلی دکتر خدایی، ناقد اول دکتر محمدرضا نیکزاد در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- موضوع جدید و تقریباً به روز است.
- دو اثر بسیار شاهکار و هم اینکه در دوره های متفاوت نگاشته شده ، انتخاب شده که هر دو گویای درخشندگی فرهنگ گذشته ما هستند.
- روایتگر کسی است که روایت می کند؛ در صورتیکه نصرالله منشی و سعدی روایتگر هستند یا خشم و ترس؟
- منابع برای ادبیات داستانی و علم روایت شناسی بسیار داریم ولی استفاده نشده است.
- اسم ۱۷ اثر که نویسنده خارجی دارند استناد داده شده است.
- در چکیده از ادبیات تعلیمی استفاده شده که لزومی به اشاره کردن به ادبیات تعلیمی نبود.
- کفه روان شناسی مقاله سنگین تر از ادبیات بود، در خطا هم بیشتر به روان شناسی پرداخته اید.
- به اشخاص مورد نظر در کلیله و دمنه بیشتر مانور داده شده تا حیوانات در صورتیکه شیرینی این اثر بر روی حیوانات است.
- بعضی نکات سهو القلمی در مقاله وجود دارد.
- در داستان مادر یک جا دیگ آمده و یک جا کوزه آمده، چرا؟
- داستان انتخابی شما یک زبان بین المللی است.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که دکتر مهدی اسلامی به موارد زیر پرداختند:

- متون ادبی ما به اندازه کافی به روز هستند که بتوان از آنها استفاده کرد، چرا از نظریه های غربی استفاده شده است؟
- مقاله محتوایی خیلی خوب است ولی به صورت نموداری و به ترتیب و منظم انجام نشده است.
- بحث کنشگر و کنشگران خیلی محدود به انسان شده استو به داستانهای حیوانی باید ورود می کردید.
- کلیله و دمنه متنی است که اصولو قواعد حکومتی را نشان می دهد. کمتر در آن ادبیات تعلیمی صحبت شده است.
- نیرنگ، دوراندهی، سیاست این مراحل در کلیله و دمنه بود که به آن پرداخته نشده است.
- بیشتر مبحث روان شناسی انجام شده تا ادبیات.
- نیاز است که به هدف مولفین توجه شود.
- متن مقاله به تحلیل گفتمان نزدیک شده ولی وارد نشده است.

- متن جنبه های سیاسی هم دارد ولی در مقاله به آن پرداخته نشده است.
- نیم نگاهی هم به مخاطبان کتاب بایستی داشت.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.